

### جر خش معادلات به نفع مقاومت



روزنامه ایران در شماره دپروژ خود نوشت: رژیم‌صهیونیستی طی یک سال گذشته به اقدامات گسترده‌ای علیه فلسطینی‌ها چه در نوار غزه و چه در کرانه باختری دست زده‌است.اسرائیلی‌ها در این مدت زمانی، ۱۷اقدام عملیاتی را تنها علیه منطقه غزه به اجراگذاشته‌اند که در نتیجه آن۸۷نفر زخمی، دو نفر اسیر و چهار نفر هم به مقام شهادت رسیده‌اند. شرایط سختگیرانه حاکم بر منطقه، رزمندگان مقاومت را بر آن داشت تا با یک عملیات پیشدستانه، قدرت خود را به رژیم‌صهیونیستی نشان دهند. آنها روز شنبه ثابت کردند فلسطینی‌ها اگر دست به اقداماتی قابلی علیه اسرائیلی‌ها نمی‌زدند از ناتوانی‌شان نیست، بلکه نوعی خوبیشنداری برای حفظ جان مردمان‌شان است و اگر بنا بر نشان دادن ضرب‌بستگی باشد، معادلات اسرائیل را تغییر خواهند داد.نویسنده اضافه کرده‌است: آنچه در جریان طوفان‌الاقصی رخ داد، کارایی گنبد آهنین را زیر سؤال برد.انسجام و هماهنگی گروه‌های مختلف مقاومت، عملیاتی را رقم زد که از ابتدا از طریق نفوذ در شهر ک‌های صهیونیست‌نشین اطراف غزه آغاز شد و در ادامه به شلیک صدها موشک و سایر تجهیزات نظامی انجامید.این عملیات برخلاف تصور خیلی‌ها به خصوص مقامات رژیم‌صهیونیستی، خسارت سنگینی را روی دستان اسرائیلی‌ها نگذاشت. آنچه از پس این واقعه قابل توجه بوده، این است که اسرائیلی‌ها در یافته‌اند نمی‌توانند معادلات را یک‌طرفه و به صورت یک‌جانبه تنظیم و اعمال کنند، چراکه حالا بر همه عیان شده که طرف فلسطینی قدرت دفاع از خود را دارد.

این عملیات ثابت کرد طرف فلسطینی اگرچه از تجهیزات کمتری برخوردار است اما می‌تواند تا عمق سرزمین‌های اشغالی نفوذ کند، اسیر بگیرد، شهرک‌ها تصرف کند این یعنی معادلات موجود تغییر کرده و همان‌طور که پیش‌تر معادله نظامی دو طرف به نفع حزب‌الله تغییر کرده بود، الان هم معادله نظامی به نفع جنبش‌های فلسطینی تغییر یافته است.

## آغازی بر پایان ۲۵سال اشغالگری

روزنامه کیهان در شماره دپروژ خود نوشت: تصرف بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی و به دست گرفتن کنترل برخی شهرها و شهرک‌های صهیونیست‌نشین و درگیری‌های زمینی و تن‌به‌تن در خیابان‌های اسرائیل و… تابوی آزادی قدس سرزمین را شکست و نشان داد که رژیم‌صهیونیستی به رغم ادعاها و فضاسازی‌ها در خصوص گنبد آهنین… بسیار نفوذپذیر و ضربه‌پذیر است و آزادسازی فلسطین افسانه و شعار نیست و شدنی است. به قول شهید همت نشان داد «آنان ترس از جنگ در دنیا، جنگ با اسرائیلی‌هاست…»

این عملیات آن قدر غافلگیرانه و سریع و گسترده با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی برای غرب است که بلافاصله تأثیر خود را در کشورهای اروپایی گنناشت و تمام پروازهای بین‌المللی به تل‌آویو لغو شد و امریکا و کشورهای اروپایی با ابراز نگرانی شدید، به «تشدید تدابیر امنیتی» در این کشورها خبر دادند.نویسنده اضافه کرده‌است: این عملیات «قهار عادی‌سازی روابط» و «میزان توان بازندگی اسب بازنده» و «سرت رفتنی بودن» رژیم‌صهیونیستی را بیش از پیش آشکار کرد و نشان داد که صهیونیست‌ها در عرض نیه‌ساعت «مرگ حتمی» را تجربه کردند! اینکه شهید سلیمانی زمان پنج‌ساله ارباب‌ای بیان مشهور گروه‌های مقاومت تعیین کرده بود، حتما حکمتی داشت! آن گونه که مجری شبکه امریکایی «من‌وتو» اذعان کرد «سردار قالی» که اسرائیلی‌ها هتداز داده بود که باید خانه‌های‌شان را بفرروشند و بروند!» لذا باید همچنان منتظر حوادث امیدوارکننده و پیروزی‌های بزرگ‌تری باشیم.به‌خصوص که مقفود شدن حدود ۱۵۰نفر و اسیر شدن صدها نفر از نیروهای صهیونیست، می‌تواند مخزن اطلاعاتی خوبی برای عملیات‌های آینده و پس از تخلیه اطلاعاتی وسیله مناسبی برای آزادی اسرای فلسطینی باشد!

## تحقیر ارتش اسرائیل

روزنامه شرق سرمقاله خود را به عملیات طوفان الاقصی اختصاص داد و نوشت: اتفاقی که روز شنبه در اسرائیل افتاد، از نظر تحقیر ارتش و نهادهای اطلاعاتی و دولت اسرائیل که راست‌گراترین دولت در تاریخ این کشور است، بی‌نظیر بود و به قولی از غافلگیری و تحقیر ارتش اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۹۴۷ به دست ارتش‌های چند کشور عربی نیز تحقیر آمیز بود. در جریان حمله حماس، مرزی که قرار بود نفوذناپذیر باشد و حدود یک‌میلیارد دلار برای استحکام آن هزینه شده بود، از ۲۲ نقطه و در مواردی تا عمق ۳۵کیلومتری ضربه خورد. این حمله نشان داد توان بازاردنگی و اطلاعاتی اسرائیل مطلق نیست. نویسنده اضافه کرده‌است: همیشه طی سال‌های اخیر انتظار غلیان خشم فلسطینی‌ها وجود داشته است.چراکه گذشت زمان تر جهت احقاق حادقائل حقوق ملی و مدنی مردم فلسطین نبوده است. شرق همچینین اضافه کرده‌است:انکس این تحول مهم در بین ایرانیان و واکنش طرف‌های مختلف جهان را که از دو دهه پیش توسط درخیمان فلسطینی مثل جهاد اسلامی، ناآهان یک روز صبح، بزرگ‌ترین و مخوف‌ترین مجاهدان شیردل فلسطینی با ماشین جنگی غوغای اسای اسرائیل قابل قیاس نیست. اینجاست که باید نقش تاریخی و پشت پرده عقبه سابی‌ری و جنگل مقاومت فلسطین برای از مدار خارج کردن سامانه پدافندی گنبد آهنین و قطع عمده ارتباطات ستاد فرماندهی ارتش عبری با واحدهای جنوب غربی‌اش را یادآوری کرد.

همه این اتفاقات در نزدیکی قلب امنیتی رژیم در صحرای نقب در جنوب فلسطین اشغالی شامل بزرگ‌ترین تشکیلات امنیتی و جاسوسی اسرائیل، زرادخانه هسته‌ای دیمونا و دو پایگاه هوایی بئر شعبا و حاتزم رخ می‌دهد. این شکر عظمت خدای است که به این جنبش دست خالی اما مالامال ایمان، عزت و اقتداری می‌مانند عطا کرد که جنبش‌های یان‌عربی، سوسیالیست یا سکولار پیشین تاریخ مبارزه اعراب علیه اسرائیل از آن بی‌بهره بودند.



روزنامه جوان | شماره ۶۸۶۸ |

سرویس سیاسی ۰۹۰۸۵۲۲۰۶۰

چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۲ | ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ |

گزارش یک



سرویس سیاسی ۰۹۰۸۵۲۲۰۶۰

چهارشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۲ | ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ |

گزارش یک

# «اصلاح‌طلبان»

# سرگردان میان رادیکالیسم خیابانی و مبارزه پارلمانی



خبرگزاری ایرنا

**محمد قوچانی** درباره نمایش رادیکالیسم در جبهه اصلاحات نوشته است: در پیش‌ت پرده این رادیکالیسم چپ نوعی اپورتونیسیم قرار داشت که پشت وپترین

در این میان اما کار گزارانی‌ها ضمن انتقاد از این روش مدعی هستند این اقدام تلاشی از سوی حزب اتحاد ملت برای تعمیم خود در احزاب کوچک و فراکسیون‌هاست که عملاً موجب دست بالای این حزب در جبهه اصلاحات و مطالب مطرح‌شده از سوی اصلاح‌طلبان برمی‌آید، انتقادات نسبت به جبهه اصلاحات و افزایش یافته‌است و طیف‌های مختلف در حال بیان پیشنهادهای برای فراگیری شدن گفتن

و تشکیلات مهم‌ترین نهاد سیاسی - انتخاباتی اصلاح‌طلبان هستند.

بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد در شرایط کنونی در جبهه اصلاحات کوشش می‌شود که به تعبیر اصلاح‌طلبان شکاف اجتماعی اصلاح‌طلبی در برابر اصلاح‌ناپذیری نمایندگی شود اما به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی این مسئله با توفیق چندانی طی سال‌های گذشته همراه نبوده است.

از دیگر سو ما به دلیل امتناع شکل‌گیری احزاب بر پایه قدرت اجتماعی باید تصدیق داشت که در این مسئله موجب شده است جبهه اصلاحات کنونی زیر سایه دو گانه حزب اتحاد ملت- حزب کارگزاران سازندگی باشد؛ دو گانه‌ای که جبهه اصلاحات را در میانه اصلاح‌طلبی به مثابه پذیرش وضع موجود و اصلاح‌طلبی را به مثابه رویکرد رادیکال‌تر شناور کرده است. وجود احزاب صنفی معلمان، پزشکان، استادان دانشگاه و احزاب مربوط به زنان نیز بحران نمایندگی را حل کرده است. در همین رابطه اما پیشنهادت مطرح‌شده برای فراگیرتر ساختن جبهه اصلاحات در قالب سه دسته پیشنهاد قابل رصد است:

■ **اتحاد ملت به دنبال فراکسیونیسیم**

بخشی از جوانان اصلاح‌طلب نیز با انتقاد از ژنرال‌محوری محض از سوی اتحاد‌ملتی‌ها

آذر منصور ی سر جبهه اصلاحات به دنبال شکل‌دهی به فراکسیونیسیم بر اساس فراکسیون‌های زنان، جوانان، اقشار و اصناف هستند.

در این میان اما کار گزارانی‌ها ضمن انتقاد از این روش مدعی هستند این اقدام تلاشی از سوی حزب اتحاد ملت برای تعمیم خود در احزاب کوچک و فراکسیون‌هاست که عملاً موجب دست بالای این حزب در جبهه اصلاحات و مطالب مطرح‌شده از سوی اصلاح‌طلبان برمی‌آید، انتقادات نسبت به جبهه اصلاحات و افزایش یافته‌است و طیف‌های مختلف در حال بیان پیشنهادهای برای فراگیری شدن گفتن

و تشکیلات مهم‌ترین نهاد سیاسی - انتخاباتی

اصلاح‌طلبان هستند.

بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد در شرایط کنونی در جبهه اصلاحات کوشش می‌شود که به تعبیر اصلاح‌طلبان شکاف اجتماعی اصلاح‌طلبی در برابر اصلاح‌ناپذیری نمایندگی شود اما به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی این مسئله با توفیق چندانی طی سال‌های گذشته همراه نبوده است.

از دیگر سو ما به دلیل امتناع شکل‌گیری احزاب بر پایه قدرت اجتماعی باید تصدیق داشت که در این مسئله موجب شده است جبهه اصلاحات کنونی زیر سایه دو گانه حزب اتحاد ملت- حزب کارگزاران سازندگی باشد؛ دو گانه‌ای که جبهه اصلاحات را در میانه اصلاح‌طلبی به مثابه پذیرش وضع موجود و اصلاح‌طلبی را به مثابه رویکرد رادیکال‌تر شناور کرده است. وجود احزاب صنفی معلمان، پزشکان، استادان دانشگاه و احزاب مربوط به زنان نیز بحران نمایندگی را حل کرده است. در همین رابطه اما پیشنهادت مطرح‌شده برای فراگیرتر ساختن جبهه اصلاحات در قالب سه دسته پیشنهاد قابل رصد است:

■ **اتحاد ملت به دنبال فراکسیونیسیم**

بخشی از جوانان اصلاح‌طلب نیز با انتقاد از ژنرال‌محوری محض از سوی اتحاد‌ملتی‌ها

اصلاحات باشد.

این بخش از اصلاح‌طلبان همچنین تأکید دارند، اعضای مجمع ملی اصلاحات از دبیران کل احزاب عضو جبهه اصلاحات کشور، عده‌ای منتخب هر حزب، و اعضای حقیقی جبهه اصلاحات و منتخبان مجامع محلی اصلاحات تشکیل می‌شود. در انتخاب نمایندگان از اقشار مهم و تأثیر گذار نهاده‌های صنفی و تخصصی باید دخالت داشته باشند. مجمع ملی اصلاحات به عنوان پارلمان عالی انتخاب اعضای حقیقی جبهه اصلاحات را بر عهده می‌گیرد. مجمع فوق بحث و بررسی در مورد شرایط کشور و اصلاحات و ارائه پیشنهادهای لازم به جبهه اصلاحات، استماع گزارش فصلی هیئت‌رئیس و کار گروه‌های جبهه اصلاحات و همچنین بررسی و تصمیم‌گیری سیاست‌های انتخاباتی و نحوه تعیین کاندیداهای جبهه اصلاحات در انتخابات مختلف و انتخاب نامزد نهایی جبهه اصلاحات در انتخابات ریاست جمهوری را بر عهده خواهد گرفت.

این طیف در خاتمه تصریح می‌کند، جبهه اصلاحات نیازمند بازسازی توأمان گفتگمانی و سازمانی است و شکل‌گیری یک مجمع ملی در مرکز و مجامع محلی مهم‌ترین گامی است که باید برای بازسازی برداشت. این مجامع محلی امکان بالقوه نمایندگی را به جبهه اصلاحات برمی‌گرداند و با دخیل‌ساختن اصلاح‌طلبان شهرستان‌ها زمینه مرکززدایی را فراهم می‌کنند.

■ **در پشت پرده رادیکالیسم چپ**

**محمد نمایشی** **اکران می‌شود؟**

محمد قوچانی درباره نمایش رادیکالیسم در جبهه اصلاحات تقصیر جالبی داشته و نوشته است: در پشت پرده این رادیکالیسم چپ نوعی اپورتونیسیم قرار داشت که پشت وپترین زیبایی به نام دفاع از انتخابات ازاد پنهان کرده است. در حالی که اصلاح‌طلبان یک سو دنبال کرسی در حاکمیت بود و از سوی دیگر در پی اعتباری از اپورتونیسیم می‌گشت.

آن‌ها در جبهه اصلاحات را به خوبی نشان می‌دهد؛ با شیوه‌های مختلف تعداد کرسی‌های حزب در جبهه، افزایش می‌داد و باانتخاب ناگزیر محسن هاشمی‌رفسنجانی به ریاست شورای شهر که بالاخرت رأی در شورای شهر را فاصله زیاد را به دست آورده بود، از شهر داری او جلوگیری می‌کرد

اصلاحات جزب تشکیل می‌شود. مجمع فوق از مسئولان احزاب اصلاح‌طلب شهرستان یا شهرستان‌های تابع آن حوزه و افراد منتخب اصلاح‌طلبان حوزه و یک سو و همچنین سنجیدن میزان اقبال اقشار مختلف محلی از جمله زنان، اصناف، معلمان، پزشکان و کارفرمایان هم باید نمایندگانی در مجمع محلی داشته باشند. انتخاب نماینده یا نمایندگان مجمع محلی برای عضویت در مجمع ملی اصلاحات باید با در نظر گرفتن جمعیت انجام‌شود. ارائه پیشنهادهای لازم به جبهه اصلاحات استان، شهرستان‌ها و تصمیم‌گیری در مورد نامزدهای مورد حمایت در مجلس شورای اسلامی و شوراهای از جمله

مواردی است که باید بر دوش مجامع محلی

## پیاداشتت میوه‌ها

محسن ردادی\*

## مردم با عقلانیت سیاسی به براندازان «نه» گفتند

در سالگرد اغتشاشات، دیوارنوشته‌ای به چشم‌خورد که یکی از طرفداران جنبش به اصطلاح «زن، زندگی، آزادی» با الفاظی زشت به مردم ایران توهین کرده بود. ترجمه مؤدبانه آن دیوارنوشته این بود که مردم ایران به دلیل ترسو بودن در سالروز فوت مرحومه مهسائینی به خیابان‌هاینامدند. در این یادداشت‌به این موضوع می‌پردازم که آیا ترس مانع شورش‌های خیابانی شده است یا عقلانیت؟ فشارهای امنیتی مردم را از آن جنبش دور کرد یا خفاهای هواداران جنبش؟ واقعیت این است که مردم ایران، حسابگر و عاقل هستند. به هر حال این مردم، سابقهٔ تمدنی ۷هزارساله دارند و در این مدت، انواع و اقسام حوادث را دیده و تجربه اندوخته‌اند. بر اساس همین تجربه است که از افکار و اشخاص جدید استقبال می‌کنند و به آنها «یک‌بار» فرصت می‌دهند که صداقت و کارآمدی خود را نشان دهند. ملت ایران، دو بار فرصت نمی‌دهند و اگر اعتماد مردم از دست برود، به سختی ممکن است این اعتماد دوباره جلب شود. اما چرا این جنبش دچار ریزش بدنه اجتماعی شد؟ در ادامه دلایل این موضوع بیان می‌شود:

۱- مردم ایران از خشونت بیزارند. اغتشاش‌هایی که در سال ۱۴۰۱ رخ داد، هرگز جنبش‌های خشونت‌پرهیز دست‌بندی نمی‌شود. نه تنها در عرصه میدانی این افراد مرتکب خشونت فراوان شدند، بلکه هواداران این جنبش از خشونت‌های خیابانی حمایت می‌کردند و خواهان تشدید آن بودند. آنها از نوع حمله، کشتن و آتش‌زدن را دفاع مشروع قلمداد می‌کردند حتی از ضرب‌و شتم قرار دهند! هششتگ «خرابکاری- شرافتمندانه» تولید شد و از مردم می‌خواست به هر شکلی که می‌توانند به زیرساخت‌های ضروری زندگی مردم آسیب بزنند. در صفحات مجازی آموزش ساخت کوکئل مولوتف، شیلنگ‌های میخ‌دار و سایر ابزارهای اعمال خشونت داده می‌شد و هیچ‌کس هم جرئت نداشت به این حجم از خشونت اعتراض کند. شیوه به شهادت رساندن شهید روح‌الله عجمیان و آرمان علی‌وردی با هیچ منطقی پذیرفتنی نیست. ملت ایران چنین خشونت عبرتی را بر نمی‌تافتند.

۲- مردم ایران اهل سواری‌دان نیستند. منفعت‌طلبی رهبران خودخوانده «زن، زندگی، آزادی» به شدت نمایان بود. جناح‌های مختلف این جنبش، بر سر غنیمت‌هایی که هنوز به دست نیامده بود، به شدت مانع‌زده داشتند. به قول یکی از تحلیلگران بی‌سی، گویی جمهوری اسلامی سقوط کرده و دوغدغه اصلی سلطنت‌طلبان، منافقین، فمنیست‌ها، چپ‌ها و تجزیه‌طلبان این بود که چه کسی صاحب حکومت بعدی است. این دعواهای منفعت‌طلبانه از چشم مردم پنهان نماند و بدنه اجتماعی این جنبش به سرعت دلستر شدند.

۳- برای مردم ایران، ادب، رازشمن‌داری، جنبش پاییز گذشته، ریک‌ترین جنبش و تهورشی است که در تاریخ ایران ظاهر شد. فتن‌هایی که در قالب شعار فریاد زده می‌شد، برای مردمی که خود را با فرهنگ می‌دانستند، شوکه‌کننده بود. این شعارهای رکیک، حتما باعث آزرده‌گی افراد خانواده‌دار شد که برای مطالبه آزادی به خیابان‌ها آمده بودند.

۴- برخلاف تصور ضدانقلاب‌ها، همه بی‌حجاب‌ها برانداز نیستند. رسانه‌های ضدانقلاب تصور می‌کردند بی‌حجاب‌ها شریک استراتژیک آنها در اهداف سیاسی هستند. خیال می‌کردند که هر کس به خیابان‌ها آمده، ضدانقلاب و ضدنظام جمهوری اسلامی است. در حالی که بیشتر مردمی که به خیابان‌ها آمده بودند، از حادثه مرگ مهسائینی خشمگین بودند و تظاهرات ضدانقلابی آنها برای تخلیه این خشم بود. براندازها و ضدانقلاب‌ها تصور می‌کردند که با همه بدحجاب‌ها، بلکه اکثر مردم ایران، هم‌مسیر هستند و وقتی مشاهده کردند در ۲۵شهر، پیرو مردم به جای خیابان‌ها، جاده شمال را انتخاب کردند، متعجب شدند. آنها باید این نکته را درک کنند که نه تنها عموم مردم ایران، بلکه حتی بی‌حجاب‌ها حاضر نیستند برای اهداف سیاسی ضدانقلاب‌ها، هزینه بدهند. این جنبش تا مانع حضور این افراد در خیابان‌ها شده، عقلانیت است که به این افراد می‌گوید خوششان را برای اهداف براندازان هزینه نکنند.

۵- مردم ایران می‌خواهند زندگی کنند. اما جنبش دروغین «زن، زندگی، آزادی» با «زندگی» سرسختیز دارد. هر چند این افراد هششتگ زندگی- نرمل می‌زند اما دستورالعمل‌های ریز و درشت آنها با جریان چون عزاداریم، به جای خشم ملی ایران از تیم فوتبالت انگلستان استعمار گر طرف‌داری کنید، اگر پهلوان کشتی ایران شکست خورد، شادی کنید. در میان مدت ادامه این شیوه مبارزه، مردم را خسته می‌کند. در همین یک سال گذشته با اختلال‌هایی که در زندگی مردم به وجود آوردند، هیچ کس حاشی خوب نبود. برانداز جماعت باید بفهمد که مردم ایران می‌خواهند زندگی کنند.

۶- مردم ایران از دروغ بیزارند. این جنبش در یک سال گذشته دروغ‌های فراوانی به خورد مردم داد و پهانه هم این بود که باید مردم برای ماندن در خیابان‌ها هیچ‌چ شونده. اما جنبشی که از صداقت فاصله بگیرد، هوادارانش را از دست می‌دهد.

۷- جنبش «زن، زندگی، آزادی» پر از تناقض‌های درونی بود. شعار آزادی می‌دادند و در عین حال وحشیانه به افراد درگرنمایش حمله می‌کردند، حتی حرم بزرگان خودشان را رنگه نشان‌دهند. براندازها، مردم ایران را نشناخته‌اند. مردم ایران فقط یک بار فرصت می‌دهند. همان‌طور که به بنی‌صدر و میرحسین موسوی یک‌بار فرصت دادند. مردم در انتخابات هم رای قابل توجهی به بنی‌صدر و موسوی دادند و حتی پس از انتخابات هم حاضر شدند تا مدتی با آنها همراهی کنند و به خیابان‌ها بیایند. اما وقتی عدم‌صداقت را مشاهده کردند، عقب‌کشیدند.

✽ **عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی**

## «بیانه لندن»

## دخالت آشکار در امور داخلی تهران است

در دو دهه گذشته هر گاه ایران توانسته است به تکنولوژی‌ها و دستاوردهای مهم علمی دست یابد، با موضع‌گیری‌های منفی از سوی غرب مواجه شده است.

فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با خانه ملت، به مداخله‌های انگلیس در خصوص پرتاب ماهواره تصویربرداری نور ۱۲ اشاره کرد و گفت: طی دو دهه گذشته هرگاه ایران توانسته است به تکنولوژی‌ها و دستاوردهای مهم علمی دست یابد، با موضع‌گیری‌های منفی از سوی غرب مواجه شده است. این‌ها نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه دانشمندان جوان و نخبه‌ایرانی هر گاه با رویکرد خصمانه غربی‌ها مواجه می‌شوند، خیلی با ازادتر و جدی‌تر اهداف خود را دنبال می‌کنند، اظهار کرد: کشورهای اروپایی همچون انگلیسی‌ها می‌دانند که امروزه کشورهای می‌توانند در معادلات بین‌المللی اثر گذار باشند که دارای برتری علمی هستند، بنابراین غربی‌ها از پیشرفت و اثرگذاری تهران عصبانی هستند. در ادامه داد: در این میان باید اذعان کرد بیانه لندن دخالت آشکار در امور داخلی جمهوری اسلامی‌ها محسوب می‌شود. بنابراین وزارت امور خارجه باید این موضوع را از طریق مجامع بین‌المللی پیگیری کند تا دیگر شاهد تکرار چنین مسائلی نباشیم. این نماینده مردم در مجلس یازدهم افزود: متأسفانه وزارت خارجه انگلیس مدعی شده است برتابگر قاصد از فناوری برای توسعه یک سامانه موشکی انگلیس است که امروزه استفاده می‌کند، در حالی که دستیابی به پیشرفت‌های علمی و تحقیقاتی از جمله در حوزه هوافضا حق مسلم و قانونی ایران اسلامی است و این ماهواره برای تصویربرداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.